

**The study of the lived experience of Afghan students in interactions and communication within the school in the junior secondary school****Nasrin Karimizadeh, Kouros Fathi Vajargah, Mahboubeh arefi, Alareza Sadeghi**¹ PhD student of Curriculum Planning, Shahid Behshti University, Tehran, Iran.² Professor, Department of Education, Faculty of Education and Psychology, Shahid Behshti University, Tehran, Iran.³ Assistant Professor of Higher Education group, Faculty of Education and Psychology, Shahid Behshti University, Tehran, Iran⁴ Assistant Professor of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.**Abstract**

The present study is qualitative research aimed at identifying and understanding the lived experiences of Afghan students from interactions and communication within the school in high school, which has been done using phenomenological method. Sampling method in this research is purposeful sampling method which is mostly used in phenomenological studies. For this purpose, the data were obtained through semi-structured interviews with 12 Afghan students who were studying in junior high schools in District 7 of Tehran in the academic year 1399-1499. In this way, 10 people were interviewed and nothing new was found in the tenth interview, but to be sure, the researcher continued the interview until the twelfth person to ensure saturation. Other tools such as journalism, field observation and note-taking were also used and the findings were analyzed by Van Manen method analysis. Research questions were designed about the relationship and interaction of Afghan students with their classmates and teachers, and the researcher sought to identify and understand what is going on in the interactions between Afghan students with their peers and teachers. After analyzing the interviews, facts such as humiliation of Afghan students, discriminatory behavior of some teachers towards Afghan students, self-censorship, existence of divisions among students, being marginalized, being considered secondary, not being seen and forced silence in Achieved among Afghan students. To examine the validity and reliability of the research, the method of expert review, data consensus means the use of multiple data sources and methodological consensus means the use of two or more methods in this research has been used.

Key words: Education, Lived experience, Interaction and communication.**بررسی تجربه زیسته دانش آموزان افغانستانی در تعاملات و ارتباطات درون مدرسه‌ای در دوره متوسطه اول**

نسرین کریمی‌زاده، کورش فتحی‌واجارگاه*، محبوبه عارفی، علیرضا صادقی

^۱ دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران^۲ استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران^۳ دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران^۴ دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران**چکیده**

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی با هدف شناسایی و فهم تجربه زیسته دانش آموزان افغانستانی از تعاملات و ارتباطات درون مدرسه‌ای در دوره متوسطه است که با استفاده از روش پدیدارشناسی انجام گرفته است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش نمونه‌گیری هدفمند است که در مطالعات پدیدارشناسی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین منظور، داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۲ نفر از دانش آموزان افغانستانی که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ در مدارس متوسطه دوره اول در منطقه ۷ تهران در حال تحصیل بودند، به دست آمد. به این ترتیب که با ۱۰ نفر مصاحبه به عمل آمد و در مصاحبه دهم نکته جدیدی یافت نشد ولی برای اطمینان، پژوهشگر مصاحبه را تا نفر دوازدهم ادامه داد تا از به حد اشباع رسیدن، اطمینان حاصل نماید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته، ژورنال نویسی، مشاهده میدانی و یادداشت برداری بود. یافته‌ها با استفاده از روش ون من مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها بیانگر آن است که حقایق نظیر تحقیر دانش آموزان افغانستانی، رفتارهای تبعیض آمیز برخی معلمان نسبت به دانش آموزان افغانستانی، خودسانسوری، وجود دو دستگی میان دانش آموزان، به حاشیه رانده شدن، درجه دوم تلقی شدن، دیده نشدن و سکوت اجباری در میان دانش آموزان افغانستانی به دست آمد. برای بررسی روایی و اعتبار پژوهش از روش بررسی متخصصان، اجماع داده‌ها به معنای استفاده از منابع چندگانه داده‌ها و اجماع روش‌شناسی یعنی استفاده از دو روش یا بیشتر در این پژوهش بهره‌برده شده است.

کلمات کلیدی: آموزش، تجربه زیسته، تعامل و ارتباط، دانش آموزان افغانستانی، دوره متوسطه اول

مقدمه

مهاجرت انسان‌ها بیش از آنکه پدیده‌ای استثنائی و غیرمعمول باشد، پدیده‌ای متداول بوده که از آغاز زندگی بشر همواره وجود داشته است. امروزه نیز آمار و وضعیت سیاسی - اقتصادی جهان نشان می‌دهد که مهاجرت بین المللی امری رایج است که رو به کاهش نمی‌رود. (Grant & Portera, 2011) یکی از بزرگترین جابجایی‌ها و حرکات مهاجرتی تاریخ مدرن جهان، مهاجرت افغانستانی‌ها در طول سه دهه اخیر است. در این فرایند حدود یک سوم جمعیت افغانستان (بیش از شش میلیون نفر) کشور خود را ترک و تقریباً به ۷۲ کشور جهان مهاجرت کردند. (Turton & Marsden, 2002, Saito, 2008)

مهاجرت از کشور افغانستان در چند دهه اخیر، یکی از بزرگترین جابجایی‌های جمعیتی در تاریخ معاصر است. دو کشور ایران و پاکستان، مقصد بیش از ۹۰ درصد این مهاجران بوده‌اند. کشور ایران با پذیرش ۹۵۱۱۰۰ نفر پناهنده ثبت شده، دومین کشور میزبان این پناهجویان است. (High Commissioner for Refugees, 2019) براساس برآورد دولت ایران، هم اکنون ۱/۵ تا ۲ میلیون پناهنده ثبت نشده افغانستانی فاقد مدرک در ایران زندگی می‌کنند. (High Commissioner for Refugees, 2020)

طبق آمارهای منتشر شده از سرشماری سال ۱۳۹۵، بیش از یک میلیون و پانصد و هشتاد هزار مهاجر افغانستانی در ایران زندگی می‌کنند که نزدیک به ۴۵۰ هزار نفر آنها در سنین مدرسه یعنی بین ۶ تا ۱۷ سال هستند. (Khosravi, Bahadori & Ahmadi, 2020) اما آمارهای غیررسمی از حضور نزدیک به ۳ میلیون مهاجر افغانستانی در ایران حکایت دارد. (Mirzaee, 2018)

از سوی دیگر، نهاد آموزش و پرورش که بخشی از ساختار اجتماعی و فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شود، آینه‌ای از تنوع در جامعه است که در عین حال نوع روابط بین گروه‌های قومی را نیز منعکس می‌کند. به همین علت

کیفیت روابط بین اقوام و تاثیر متقابل بین روابط قومی و آموزش دانش آموزان از جمله مسائلی است که حتی پیش از شکل‌گیری رویکرد انسان‌شناسی آموزش و پرورش مورد توجه انسان‌شناسان بوده است. (Cherneff & Hochwald, 2006)

تنوع در دو دهه اخیر در سراسر گیتی به شکل فزاینده‌ای در حال افزایش است به نحوی که هم جوامعی که به صورت طبیعی گروه‌های متنوع قومی و فرهنگی ساختار اجتماعی و فرهنگی‌شان را تشکیل داده‌اند، دست خوش تغییر شده‌اند و هم کشورهای غربی به علت مهاجر پذیر بودن، ساختار اجتماعی و فرهنگی‌شان تغییر کرده و اکنون جمعیت قومی، نژادی، زبانی و گروه‌های مذهبی متنوعی گرایش‌های جامعه را تشکیل داده‌اند. (Hamidizadeh, 2018)

آموزش و پرورش به عنوان نهادی فراگیر و تجربه‌ای مشترک در بین تمامی افراد قلب فرهنگ و فرایندهای اجتماعی را شکل می‌دهد که به نوبه خود بر اقتصاد و تحولات سیاسی نیز تأثیر می‌گذارد. (Adams & Kiova, 2006) در این بین یکی از فرایندهایی که آموزش را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مهاجرت می‌باشد. همانگونه که اطلاعات بین‌المللی نشان می‌دهند مهاجرت به طور فزاینده‌ای رو به افزایش است و دستیابی به آموزش برای مهاجران به نگرانی جهانی برای مربیان تبدیل شده است، نظام‌های آموزشی با نیاز به پاسخگویی مناسب به روندهای کنونی مهاجرت و در نتیجه تغییرات دموگرافیک در جمعیت دانش‌آموزی روبه‌رو هستند. در بسیاری از کشورها آموزش مهاجران در دستور کار سیاسی قرار گرفته است. (OECD, 2015) همچنین تنوع ایجاد شده و همچنین میراث فرهنگی و ملیت گوناگون دانش‌آموزان در کلاسهای درس کنونی توجه به برنامه‌های آموزشی برای بازنگری مسئولیتهای سیاسی و اخلاقی مدارس و دیگر ذینفعان آموزش و پرورش به امری ضروری تبدیل شده است. مسائلی چون عدالت، تنشها و فرصتها و بازده‌های آموزشی که به واسطه وجود هویت‌های فرهنگی مختلف در یک قلمرو آموزشی به

زندگی می‌کنند و در بسیاری موارد حتی با زنان و مردان ایرانی ازدواج کرده و صاحب فرزند شده‌اند (Abbassi, Shivazi, 2013) و ترکیب قومی آنها در ایران، متنوع و گوناگون است. (Koepke, 2011) باید توجه داشت که افزایش توان دانش آموزان در برطرف کردن موانع ارتباطی اقوام و فرهنگ‌های مختلف، می‌تواند تأثیر مثبتی بر توسعه اخلاق در محیط‌های آموزشی بگذارد. آموزش و پرورش می‌بایست در این زمینه برای توسعه و گسترش ارزش‌های مشترک فرهنگی تلاش نموده و به تبادل ارزش‌های فرهنگی اقوام اهمیت داده و آنها را تحت پوشش قرار دهد. این رویکرد، صرف نظر از نوع قومیت و فرهنگ دانش آموزان، سبب بهبود رشد شناختی، درک نژادی و قومی، تقویت حس اجتماعی، مشارکت مدنی و زمینه ساز همکاری فراگیران بر روی پروژه‌های تیمی خواهد بود. (Fathi Vajargah, Araghi, Foroughi, Abri & Fazeli, 2012)

در این میان، مهاجران افغانستانی در کنار دانش آموزان ایرانی در مدارس سطح کشور در حال تحصیل هستند که این امر، موقعیت ویژه‌ای را در مدارس برای ایشان به وجود آورده است چرا که با توجه به چالش‌هایی که جامعه چند فرهنگی ایران در بخش آموزش با آن مواجه است، حضور آنها این چالش‌ها را دو چندان کرده است؛ همچنین خود آنها نیز مستقیماً با چالش‌هایی از جنبه‌های مختلف در مدارس مواجه هستند، مسئله اصلی این پژوهش در پی آن است تجربه زیسته این گروه از دانش آموزان را از زبان خودشان از حضور در مدارس ایران، تعاملات‌شان با همکلاسان، معلمان، رخدادهای واکنش‌هایی که به چشم خود دیده‌اند، استخراج کند و به اصطلاح، صدای این گروه از دانش آموزان شنیده شود تا بتوان از نتایج پژوهش، در تصمیم‌گیری‌های برنامه‌درسی این دوره استفاده کرد.

روش انجام پژوهش

- چون این مطالعه بر ماهیت تجربه زیسته دانش آموزان تأکید دارد بنابراین از روش مطالعه پدیدار

وجود می‌آیند چالش‌هایی را برای مریبان و سیاست‌گذاران آموزشی در سراسر دنیا ایجاد می‌کند. تحقیقات نشان داده‌اند که سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش مهاجران با نرخ بالایی از بازگشت سرمایه برای کشورهایی که اقدام به این امر نموده‌اند همراه بوده است. آمارها حاکی از آن است که ۱ دلار سرمایه‌گذاری سالانه در آموزش مهاجران (کشورهایی با درآمد مختلف)، بازگشت سرمایه‌ای معادل با ۱۰ دلار برای کشورهای با درآمد کم، ۴ دلار در کشورهای با درآمد متوسط و ۲ دلار در کشورهای با درآمد بالا دارد. (UNESCO, 2016) آمار فزاینده دانش آموزان مهاجر عمیقاً نظام آموزشی را برای اطمینان یافتن از رشد مهارت‌ها در دانش آموزان گوناگون و ارتقاء انسجام اجتماعی به چالش کشیده است. شکاف نژادی در نمرات مربوط به آزمون‌های پیشرفت تحصیلی به ویژه در سالهای اولیه تحصیلات و با توجه به پیش زمینه‌های خانوادگی رو به افزایش است. (Mousavi & Fathi Vajargah, 2020)

از سوی دیگر، امروزه وظیفه نظام آموزشی هر کشوری است که نیازها و انتظارات دانش آموزان خارجی را با نگاه دقیق علمی و با تمرکز ویژه بر طراحی برنامه درسی مناسب، ارتقای مهارت‌های زبانی و به رسمیت شناختن تفاوت‌های فرهنگی، تأمین نماید. (Boughton, Halliday & Brown, 2010) مسأله اقوام و تفاوت‌های فرهنگی بین آنها همچنان اهمیت خاصی دارد و بر اساس نتایج برخی پژوهش‌ها، تنوع قومیت‌ها از چالش‌های بزرگ آموزش و پرورش کشورها و به ویژه جوامعی که از نظر تنوع فرهنگی رو به تزاید می‌باشد محسوب می‌گردد. (Murphy, 2010) که این امر تنها از طریق آموزش و پرورش چند فرهنگی حاصل می‌شود. (Shimahara, 2001)

مسئله مهم بعدی این است که جامعه ایران، یک جامعه چند فرهنگی است. پیشینه‌های فرهنگی متفاوت چالش‌های مهم و قابل توجهی را در بخش آموزش به وجود می‌آورد. در این میان و با وجود تفاوت‌های فرهنگی، بیش از ۴ دهه است افغانستانی‌ها که از اقوام مختلفی تشکیل شده‌اند، به صورت مهاجر و یا پناهنده در ایران

در آن حد، فهم روشن‌تری از تجربه در صحبت‌های بعدی با مشارکت کنندگان به دست نمی‌آید، به مصاحبه کردن با مشارکت کنندگان ادامه دهند. (Chenari, 2013)

- روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش نمونه‌گیری هدفمند است که در مطالعات پدیدارشناسی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد

- برای انجام این پژوهش مراحل زیر طی شدند:
 - نخست، پژوهشگر به اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران واقع در خیابان برادران مظفر قسمت آموزش متوسطه دوره اول مراجعه و پس از هماهنگی با مسئول قسمت، پژوهشگر به اداره آموزش و پرورش منطقه ۷ واقع در خیابان دبستان مراجعه و پس از صحبت با مسئول مدارس متوسطه دوره اول، درخواست صدور معرفی‌نامه جهت انجام پژوهش را از ایشان کرد که مسئول مربوطه نیز دبیرستانهای دخترانه و پسرانه دوره اول متوسطه که دارای دانش آموز افغانستانی بودند را به پژوهشگر معرفی کرد.

- در مرحله بعد، از میان مدارس دوره اول متوسطه منطقه ۷ تهران، ابتدا با مدیران مدارس تماس تلفنی برقرار شد تا در صورت رضایت و موافقت و همکاری آنان، پژوهشگر جهت انجام مصاحبه‌ها به آن مدارس مراجعه نماید که از این میان ۲ دبیرستان یکی پسرانه و دیگری دخترانه با توجه به میزان اشتیاق و مشارکت مدیر در امر پژوهش، انتخاب و پژوهشگر به آنها حضوراً مراجعه کرد. در دبیرستان پسرانه ۴ دانش آموز افغانستانی و در دبیرستان دخترانه ۸ دانش آموز در حال تحصیل بودند که پژوهشگر با تمامی آنها مصاحبه نمود. به این ترتیب که با ۱۰ نفر مصاحبه به عمل آمد و در مصاحبه دهم نکته جدیدی یافت نشد ولی برای اطمینان، پژوهشگر مصاحبه را تا نفر دوازدهم ادامه داد تا از به حد اشباع رسیدن، اطمینان حاصل نماید.

شناختی با رویکرد تفسیری براساس نظرون من استفاده شده است. پدیدارشناسی عبارت از مطالعه پدیده‌ها و نیز نحوه تجلی و نمود آنها در تجربه و آگاهی یا هوشیاری ما است. به عبارت دیگر پدیدارشناسی عبارت است از فضا، زمان و روابط انسانی تجربه شده، بدان سان که ما آنها را در عمل زیست می‌کنیم. قلب رویکرد پدیدارشناختی تاکید بر تجربه زیسته است. دنیای تجربه زیست شده یا (Lebenswelt) واژه‌ای است که نخستین بار از سوی هوسرل فیلسوف آلمانی مطرح شده است. او از این واژه به عنوان دنیای تجربه فوری و بلاواسطه، دنیایی که به صورت طبیعی تجربه می‌شود، یعنی همان زندگی طبیعی اصیل نام می‌برد. (Fathi Vajargah, 2021)

- تمامی ۳۱ دانش آموز افغانستانی که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در دبیرستانهای دخترانه و پسرانه دوره اول واقع در منطقه ۷ شهرداری تهران مشغول به تحصیل بودند، جامعه پژوهش این تحقیق می‌باشند.

- در این پژوهش‌ها، معیار انتخاب مشارکت کنندگان در تحقیق، عموماً با معیار انتخاب مشارکت کنندگان در پژوهش‌هایی که هدفشان دستیابی به داده‌های آماری است، متفاوت است. هدف در انتخاب مشارکت کننده در تحقیقات پدیدارشناختی و انتخاب مشارکت کنندگانی است که تجربه زیسته‌ای دارند که مورد توجه این مطالعه خاص است و این مشارکت کنندگان مایلند درباره تجارب خود صحبت کنند، ضمناً این مشارکت کنندگان باید تا آن جا که ممکن است با یکدیگر متفاوت باشند تا امکان دستیابی به روایت‌های غنی و منحصر به فرد درباره یک تجربه خاص فراهم آید تعداد مشارکت کنندگان مورد نیاز برای مطالعاتی از این دست، بر اساس ماهیت مطالعه و اطلاعات جمع‌آوری شده، متفاوت خواهد بود. برای مثال، محققان ممکن است تا زمانی که متقاعد شوند به حدی از اشباع رسیده‌اند که

جدول ۱: مشخصات شرکت کنندگان در مصاحبه

ردیف	نام	سن	جنسیت	پایه تحصیلی	محل تولد	مدت زمان مصاحبه
۱	جعفر	۱۳	پسر	هفتم	افغانستان	۱۲ دقیقه
۲	امیرمحمد	۱۳	پسر	هفتم	ایران	۲۵ دقیقه
۳	جمشید	۱۸	پسر	هفتم	افغانستان	۱۷ دقیقه
۴	امیرحسین	۱۳	دختر	هفتم	ایران	۱۶ دقیقه
۵	فاضله	۱۵	دختر	نهم	ایران	۱۵ دقیقه
۶	حبیبه ۱	۱۵	دختر	نهم	افغانستان	۱۰ دقیقه
۷	فائزه	۱۴	دختر	هشتم	ایران	۱۰ دقیقه
۸	یگانه	۱۴	دختر	هشتم	ایران	۲۲ دقیقه
۹	معصومه	۱۵	دختر	نهم	ایران	۱۰ دقیقه
۱۰	حبیبه ۲	۱۴	دختر	نهم	افغانستان	۱۰ دقیقه
۱۱	هانیه	۱۴	دختر	هشتم	ایران	۱۲ دقیقه
۱۲	فرزانه	۱۵	دختر	هشتم	نمیدونه	۱۱ دقیقه

نویسی نیز شامل ۳ بخش بود: نگارش خاطرات مثبت یا منفی از گذشته، نگارش برنامه روزانه و در نهایت تحلیل دانش آموز از آن حرکت از گذشته به سمت حال که مطالب و نکات بسیار ظریف و با ارزشی را برای پژوهشگر در پاسخ به سوالات پژوهش در پی داشت که این بخش با توجه به مراحل تحلیل Currere از نظر ون منن انجام شد به این معنی که دانش آموز در طی سفر آموزشی خود، همزمان که هم گذشته و هم حال خود را بررسی می‌کند، تاثیر گذشته بر حال و آینده و تاثیر حال بر آینده خود را نیز مورد تحلیل قرار می‌دهد. (Fathi Vajargah, 2021)

میانگین انجام هر مصاحبه ۱۵ دقیقه و میانگین زمان نگارش مطالب ژورنال نویسی برای هر دانش آموز ۲۵ دقیقه بود. از ابزارهای پژوهشی همچون مشاهده میدانی، یادداشت برداری، مصاحبه نیمه ساختار یافته، ضبط صدا و ژورنال نویسی در این پژوهش استفاده شده است. لازم به ذکر است سوالات مصاحبه نیمه ساختاریافته، با کمک و نظرات اساتید راهنما و مشاور طراحی شده است. مشاهده میدانی نکات قابل توجهی را برای پژوهشگر به همراه داشت. مشاهده میدانی نشان داد که اضطراب، حساسیت، خشم و رنجش میان مصاحبه شوندگان پسر بسیار بیشتر از مصاحبه شوندگان دختر است. ژورنال



نمودار ۱: ابزارهای جمع آوری اطلاعات

همزمان که هم گذشته و هم حال خود را بررسی میکنند، تاثیر گذشته بر حال و آینده و تاثیر حال بر آینده خود را نیز مورد تحلیل قرار میدهد. از نظر ون منن، هدف پدیدارشناسی، شناخت پدیده از طریق پی بردن به درک افراد از آن پدیده است. پدیدارشناسی ون منن دارای دیدگاه و رویکرد تفسیری است به این معنی که تعاملی دو جانبه میان پژوهشگر و مصاحبه شونده برای درک بهتر پدیده و تفسیر آن شکل می‌گیرد. در این مسیر، مشاهده میدانی و ژورنال نویسی در کنار ابزار مصاحبه، نکات قابل توجهی را برای پژوهشگر به همراه داشت. مشاهده میدانی نشان داد اضطراب، حساسیت، خشم و رنجش میان مصاحبه شوندگان پسر بسیار بیشتر از مصاحبه شوندگان دختر است. به این معنی که از میان ۴ پسر شرکت کننده، ۲ نفر آنها واکنشهای تندی داشتند، یعنی به شدت گریه می‌کردند به حدی که پژوهشگر مجبور به قطع مصاحبه به مدت ۱۰ دقیقه شد تا مصاحبه شونده، مجدد به جریان مصاحبه بازگردد. در صورتیکه از میان ۸ دختر شرکت کننده، هیچکدام چنین واکنشی را نشان ندادند. ژورنال نویسی نیز شامل ۳ بخش بود: نگارش خاطرات مثبت یا منفی از گذشته، نگارش اتفاقات و خاطرات روزانه و در نهایت تحلیل دانش آموز از نوشته‌های خودش، حرکت از گذشته به سمت حال و تاثیری که اتفاقات در طول این حرکت بر فرد داشته‌اند که مطالب و نکات بسیار ظریف و با ارزشی را برای پژوهشگر در پاسخ به سوالات پژوهش در پی داشت.

یافته‌های پژوهش

پس از عملیاتی کردن مجموع ۱۲ مصاحبه با دانش آموزان افغانستانی و مطالعه چندین باره متن مصاحبه‌ها، ۵ مضمون اصلی و ۹ زیرمضمون به دست آمد. ۵ مضمون اصلی شامل وجود انواع خشونت نسبت به دانش آموزان افغانستانی در محیط مدرسه، نتایج و تاثیرات نوع ارتباط و تعامل دانش آموزان ایرانی بر دانش آموزان افغانستانی، پذیرفته شدن در گروه همسالان و همکلاسان ایرانی، چشم انداز و گستره انتظارات، توقعات و خواسته‌های

در بحث سنجش اعتبار پژوهش، سؤالات مصاحبه بعد از طراحی، توسط ۳ تن از اساتید متخصص رشته برنامه درسی، بررسی، اصلاح و تأیید شد. برای ثبت مصاحبه‌ها، تمام مکالمات انجام شده به صورت صوتی ضبط شد. در ادامه یافته‌ها به شرکت کنندگان ارائه شد و از نظر صحت و کامل بودن مورد تأیید آنها قرار گرفت به عبارت دیگر، در کلیه جلسات مصاحبه، برداشت و درک مصاحبه کننده از توضیحات مصاحبه شوندگان به آنها برگردانده می‌شد و از آنها خواسته می‌شد در صورتیکه برداشت و درک مصاحبه کننده با منظور آنها متفاوت است، تذکر داده و در صورت لزوم توضیح بیشتری ارائه دهند (بررسی به وسیله اعضاء). سپس مصاحبه‌های ضبط شده توسط خود پژوهشگر به دقت گوش داده شد و کلمه به کلمه نوشته شد. بعد از اینکه مصاحبه ضبط شده به صورت مکتوب درآمد، متن مکتوب مصاحبه دوباره در اختیار شرکت کنندگان قرار داده شد تا صحت و سقم مطالب تأیید و در صورت لزوم، مطالب اصلاح شود. سپس، متن‌های استخراج شده از مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته به طور مکرر مرور شدند و پس از آن در مورد تم‌ها و طبقات تصمیم گیری شد که در این مسیر، برای سنجش روایی از روش دیگری نیز با عنوان روش «بررسی متخصصان» استفاده شده است، به این ترتیب که تعدادی از اساتید متخصص رشته برنامه درسی، یافته‌ها و گزاره‌ها را بررسی و اعلام نظر نمودند و اصلاحات و تغییرات لازم اعمال شد. همانگونه که گفته شد از اجماع داده‌ها به معنای استفاده از منابع چندگانه داده‌ها و اجماع روش شناسی یعنی استفاده از دو روش یا بیشتر مانند مشاهده، مصاحبه، ژورنال نویسی، یادداشت برداری، در اجرای یک مطالعه واحد در این پژوهش بهره برده شده است. همچنین سعی شده است با ثبت و ضبط یادداشت‌های میدانی و مصاحبه‌ها و ضبط صدا و نگهداری آنها به اتکاپذیری پژوهش کمک شود. (Araghieh & Fathi Vajargah, 2012)

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، به روش ون منن انجام شد با این نگاه که دانش آموز در طی سفر آموزشی خود،

همکلاسان ایرانی، سکوت در مقابل بد رفتاریها، محدود کردن تعاملات دانش آموزان افغانستانی با دانش آموزان ایرانی، تجربه احساسات منفی، ارتباط و تعامل مثبت و سازنده دانش آموزان افغانستانی با معلمان و ارتباط و تعامل منفی و مخرب معلمان است.

دانش آموزان افغانستانی از همکلاسان ایرانی خود و ابعاد مختلف ارتباطی و تعاملی دانش آموزان افغانستانی با معلمان و ۹ مضمون فرعی شامل خشونت کلامی، خشونت فیزیکی، وجود پیش فرض منفی نسبت به دانش آموزان افغانستانی، پذیرفته نشدن در گروه همسالان و

جدول ۲: وجود انواع خشونتها نسبت به دانش آموزان افغانستانی در محیط مدرسه

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدها (گزاره‌ها)
وجود انواع خشونت نسبت به دانش آموزان افغانستانی در محیط مدرسه	خشونت فیزیکی	کتک خوردن در روز اول سال تحصیلی از هم مدرسه‌ای ها تنها به دلیل افغانستانی بودن
	خشونت کلامی	قرار دعوا گذاشتن از سوی دانش آموزان ایرانی با دانش آموزان افغانستانی استفاده از لفظ "افغانی" و "بدبخت" هنگام صحبت با دانش آموز افغانستانی توهین و ناسزا شنیدن از دانش آموزان ایرانی مسخره شدن لهجه دانش آموزان افغانستانی از سوی همکلاسان ایرانی
وجود پیش فرض منفی نسبت به دانش آموزان افغانستانی	وجود پیش فرض منفی نسبت به دانش آموزان افغانستانی	گروه بندی و تقسیم بندی همکلاسان به دو گروه خوب و بد مورد تهمت دزدی و دروغگویی قرار گرفتن از سوی همکلاسان ایرانی
	پذیرفته نشدن در گروه همسالان و همکلاسان ایرانی	ممانعت برخی از دانش آموزان ایرانی از دوستی و رابطه صمیمانه افغانستانی ها با همکلاسان ایرانی و اعتراض به هر دو گروه با هدف پیشگیری از هرگونه دوستی و تعامل میان این دو

جمشید که در طول زمان مصاحبه در حال گریه بود، در ادامه صحبت‌هایش گفت: "بعضی ایرانیا میگن شما افغانی اید بدبختید که اینجا اومدید ایران"
تیکه و توهین و ناسزا شنیدن از دانش آموزان ایرانی

جعفر که در بیشتر زمان مصاحبه با گریه و بغض صحبت می‌کرد، گفت: "بعضی بچه‌ها بعضی وقتا هروقت منو می‌دیدن بهم تیکه مینداختن"
فاصله از رفتارها و توهین‌های هم مدرسه‌ای ها اینگونه نقل می‌کند: "خیلی وقتا تو حیاط مدرسه بیهو یه ایرانی تیکه می‌اندازه و با لحن کشیده میگن افغانی ماهم هیچی نمیگیم و رد میشیم."

مسخره شدن لهجه دانش آموزان افغانستانی از سوی همکلاسان ایرانی
حبیبه ۱ از مشاهدات و تجربیات خود از برخوردهای میان دانش آموزان ایرانی و افغانستانی اینگونه می‌گوید:

کتک خوردن در روز اول سال تحصیلی از هم مدرسه‌ای‌ها تنها به جرم افغانستانی بودن
جمشید با گریه می‌گوید:

"امسال که روز اول اومدیم مدرسه، تو حیاط چندتا بچه لاتا اومدن گفتن تو افغانی‌ای؟ گفتم آره بعد یه دفته یکیشون شروع کردن منو زدن گفتم چرا میزنی گفت چون افغانی‌ای"

قرار دعوا گذاشتن از سوی دانش آموزان ایرانی با دانش آموزان افغانستانی

یگانه از صحبت‌ها و برخوردهای یکی از همکلاسی‌های خود دلگیر بود و گفت: "یه دختره بود چند بار بهم توهین کرد گفت بیا قرار دعوا بزاریم، من باورم نمیشد که من که ۷ ساله با ایرانیا همکلاسم و دوستم، حالا چرا یه ایرانی با من اینجوری حرف می‌زنه."
استفاده از لفظ "افغانی" و "بدبخت" هنگام صحبت با دانش آموز افغانستانی

چی بود سر کلاس گم شد بعد اون انداخت تهمت‌شو سر من بعد یعنی به خانم گفت که من اینکارو کردم در حالیکه من اینکارو نکرده بودم. بعد همین."

ممانعت برخی از دانش آموزان ایرانی از دوستی و رابطه صمیمانه افغانستانی‌ها با همکلاسان ایرانی و اعتراض به هر دو گروه با هدف پیشگیری از هرگونه دوستی و تعامل میان این دو

یگانه می‌گوید: "یکی از بچه‌ها خیلی با من لجه. به خاطر اینکه دوستاش زیاد باهام حرف میزدن به من حسودی می‌کرد مثلاً می‌گفت این افغانیه چرا دوستاش با من صمیمی میشن ولی اون نمی‌تونه."

با بررسی مصاحبه‌ها و کدهای به دست آمده، چنین به نظر می‌رسد که غالباً ارتباط و تعامل میان دانش آموزان ایرانی و افغانستانی در مدارس پر از تنش بوده و خشونت به طرق مختلف علیه آنها در مدارس در جریان است.

"یکی دو نفر بودن که زیاد مسخره میکردن و منتظر یه فرصتی بودن که یه حرفی بزنین و به خاطر لهجه مون، مارو به شدت مسخره کنن، تیکه بندازن، دست بندازن شون، بارها اینو دیدم"

گروه بندی و تقسیم بندی همکلاسان به دو گروه خوب و بد

جعفر در معرفی نوع ارتباطش با دوستان خود اینگونه می‌گوید: "دوستام دو گروه بودن. بعضیا باهام بد رفتاری میکردن بعضیا باهام خوش رفتاری می‌کردن و خوب بودن. بیشتر دوستام خوب رفتار می‌کردن ولی ۳-۴ تا بچه‌ها بودن منو اذیت می‌کردن بعضی اوقات"

مورد تهمت دزدی و دروغگویی قرار گرفتن از سوی همکلاسان ایرانی

فاضله رفتار یکی از همکلاسی‌هایش را به عنوان مثال اینگونه بیان کرد: "یکی از بچه‌ها بود همیشه باهام بدر رفتاری می‌کرد یه بارم نمی‌دونم یه خودکاری نمی‌دونم

جدول ۳: نتایج و تاثیرات نحوه ارتباط و تعامل دانش آموزان ایرانی بر دانش آموزان افغانستانی

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدها (گزاره‌ها)
نتایج و تاثیرات نوع ارتباط و تعامل دانش آموزان ایرانی بر دانش آموزان افغانستانی	سکوت در مقابل بد رفتاریها	سکوت، عدم اعتراض و پیگیری جدی در مقابل رفتارها و توهین های دانش آموزان ایرانی به دلیل ترس از بدتر شدن وضع موجود
	محدود کردن تعاملات دانش آموزان افغانستانی با دانش آموزان ایرانی	تعامل و صحبت با دانش آموزان ایرانی فقط و فقط در حد لزوم و تنها در محیط مدرسه
	تجربه احساسات منفی	احساس تنهایی شدید در کلاسهایی که در آن فقط یک دانش آموز افغانستانی حضور دارد و آزرده شدن از رفتارها و صحبت‌های دانش آموزان ایرانی حضور از روی اجبار و با کراهت در محیط مدرسه

از خودم دفاع کنم چون می‌دونستم اگه من هرچی بگم اونا یه چیزی میگن بعد از اون از حرفم علیه من استفاده می‌کنن."

تعامل با دانش آموزان ایرانی در حد لزوم و محدود کردن تعاملات و ارتباطات با آنها تنها به محیط مدرسه

حبیبه ۲ در پاسخ به سوال رفتار شما با همکلاسی‌های ایرانی چطوریه، گفت: "من ... از همون کلاس اول با ایرانیا

سکوت، عدم اعتراض و پیگیری جدی در مقابل رفتارها و توهین‌های دانش آموزان ایرانی به دلیل ترس از بدتر شدن وضع موجود

جعفر در پاسخ سوال چرا به همکلاسی‌های ایرانی که اذیت می‌کردن اعتراض نمی‌کردی، با گریه گفت: "چون بدتر اذیتم میکنن بدتر میشه"

امیرحسین می‌گوید: "یاد گرفتم که از حقوق خودم دفاع کنم ولی هرگز این موقعیت پیش نیامده که بخوام

حضور از روی اجبار و با کراهت در محیط مدرسه
 فائزه در خاطرات خود اینگونه نوشته است: "مدرسه قبلی من برای من احساس غریبی می‌کرد. تو اون مدرسه با توجه به درک من بین ایرانی‌ها و افغانی‌ها فرق می‌گذاشتند و برای من خیلی سخت بود. چون من تک افغانی اون مدرسه بودم. من واقعا هر روز با بغض پامو تو اون مدرسه می‌گذاشتم. مدیر مدرسمون با مادرم رفتار تلخی داشت. وقتی مادرم می‌خواستن در مورد موضوعی با مدیر حرف بزنه مدیرمون تلخ رفتاری می‌کرد. با توجه به اینکه با بقیه مادرهای ایرانی ملایم رفتار می‌کرد. من اصلا از اون مدرسه خوشم نمی‌اومد."

حرف می‌زدم در حد لزوم. یعنی وقتی که باهم کار داشتیم حرف می‌زدیم دیگه فقط داخل مدرسه بیرون مدرسه اصلا تعامل نداشتیم و ندارم."
احساس تنهایی شدید در کلاسهایی که در آن فقط یک دانش آموز افغانستانی حضور دارد و آزرده شدن از رفتارها و صحبت‌های دانش آموزان ایرانی
 فائزه می‌گوید: "من با همکلاسیام زیاد گرم نبودم. یعنی با اینکه من تو کلاس من فقط افغانی بودم، زیاد ارتباطم باهاشون خوب نبود اینک مثلا باهام خوب رفتار نمی‌کردن زیاد. مثلا هرچی می‌شد هی بهم می‌گفتن تو افغانی‌ای. نباید این کارو کنی اون کارو کنی. خوب نبود"

جدول ۴: پذیرفته شدن در گروه همسالان و همکلاسان ایرانی

مضمون اصلی	کدها (گزاره‌ها)
پذیرفته شدن در گروه همسالان و همکلاسان ایرانی	هم صحبت شدن برخی از دانش آموزان ایرانی با دانش آموزان افغانستانی در محیط مدرسه
	رفتار صمیمی برخی از دانش آموزان ایرانی با دانش آموزان افغانستانی در محیط
	دلداری دادن به دانش آموز افغانستانی از سوی همکلاسان ایرانی
	کمک در درسها و درس خواندن گروهی برخی از دانش آموزان ایرانی با دانش آموزان افغانستانی

می‌کند: "یه دوست ایرانی دارم یه موقع مثلا ازم حمایت میکنه مثلا میگه درسته که افغانی هستی ولی مثل داداشمی، مثلا تو درسام کمکم می‌کنه مثلا تو سختیا باهامه. یه دوست خیلی خوبی دارم. بهم میگه همیشه اگر کمکی چیزی خواستی من در خدمتم."
 یگانه می‌گوید: "اینجا اول ۳ نفر بودیم که باهم دوست شدیم بعد یه دختر دیگه ایرانی بود اومد گفت بچه‌ها بیاید ۴ نفر دوست باشیم باهم تویه میز بشینیم تو درسا بهم کمک کنیم. اومد بمن گفت یگانه تو اهل کجایی چون مثلا توی حرفا یه لهجه کوچولوی خیلی کمی داری گفتم من اهل افغانستان هستم گفت می‌دونم کشورتون جنگه امیدوارم دیگه کشورتون به مشکل برنخوره باهم صمیمی بود اینجوری نبود که بگه حالا افغانیه بهش توهیم کن بهش بی توجهی کن بچه‌ها ولش کنید اینا. یه دختره دیگم ایرانی بودش اهل قم با اونم خیلی صمیمی بودم. ارتباط خاصی باهم داشتیم اثرات خیلی خوبی روم می‌داشت مثلا همش بهم انرژی میداد مثلا می‌گفت

هم صحبت شدن برخی از دانش آموزان ایرانی با دانش آموزان افغانستانی در محیط مدرسه
 هانیه در خصوص ارتباط و تعاملش با همکلاسان ایرانی اینگونه می‌گوید: "اونام خوب با همدیگه همیشه حرف می‌زدیم وقتی همدیگه رو میدیدیم خوشحال می‌شدیم. زنگ تفریحا باهم بودیم با ایرانیا"
رفتار صمیمی برخی از دانش آموزان ایرانی با دانش آموزان افغانستانی در محیط مدرسه
 جمشید در این زمینه می‌گوید: "من که اولین روز مدرسه رفتم اونجا بچه‌های گنده لاتو اینا بودن اومدن زورگویی کردن که تو افغانی هستی و اومدن منو بززن، یکی از بچه‌های ایرانی مثلا اومد گفت چیکارش داری گفت چرا اینجوری باهاس می‌کنید از همون روز باهاس دوست شدم."
دلداری دادن به دانش آموز افغانستانی از سوی برخی همکلاسان ایرانی
 جمشید از یکی از دوستان ایرانی خود اینچنین نقل

می‌کرد اگه مشکلی داشتم ازش می‌پرسیدم زنگ تفریحم با هم بودیم."

فاصله از رفتار برخی همکلاسان ایرانی با خود اینگونه می‌گوید: "مثلا وقتی که یه گروه مثلا برای گروه درسی می‌خواستیم باهم ایجاد کنیم، مثلا خودشون میومدن بهم می‌گفتن که بیا تو گروه ما باش. یا هر چیز دیگه‌ای که می‌شد مثلا از منم کمک می‌گرفتن."

خیلیا ممکنه که یه کوچولو بهت توهین کنن اونارو زیاد جدی نگیر مثلا شاید از ته دلشون نباشه."

کمک در درسها و درس خواندن گروهی برخی از دانش آموزان ایرانی با دانش آموزان افغانستانی
هانیه می‌گوید: "بعضی ایرانی‌ها توی درسی که من بلد نبودم به من کمک می‌کردن باهم صمیمی بودیم"
یگانه هم در این زمینه می‌گوید: "یه دوست ایرانی داشتم خیلی دختر خوبی بود مثلا تو درسام کمکم

جدول ۵: توقع و خواسته های آنها از همکلاسان ایرانی خود

مضامین اصلی	کدها (گزاره‌ها)
چشم انداز و گستره انتظارات، توقعات و خواسته های دانش آموزان افغانستانی از همکلاسان ایرانی خود	توقع رفتارها و ارتباطات مشابه و برابر با دانش آموزان ایرانی
	توقع رفتارهای محترمانه و غیر خشونت آمیز
	توقع همدلی و همراهی

وقتا تو مدرسه که هستیم یهو یه ایرانی تیکه میندازه و با لحن کشیده میگن افغانی ماهم هیچی نمیگیم و رد میشیم. من از مردم ایران هم خوبی دیدم هم بدی چیزی که میخوام اینه که با ما افغانی‌ها مثل خودشون رفتار کن ماهم انسانیم و خدا ما رو آفریده ماهم ۱۲ تا امام و ۱۴ معصوم داریم ماهم شیعه هستیم مثل خودشون، فرقمون اینه که ما افغانی هستیم و اون‌ها ایرانی. تازه ایران و افغانستان همسایه هم هستند چیزی از مردم ایران میخوام همینه: "با ماهم مثل بقیه انسانها رفتار کنید"

بهمون احترام بزارن

یگانه در خاطرات خود اینگونه نوشته است: "توی مدرسه بعد از مدتی یه دختری وارد اکیپمون شد که خیلی بی ادب بود. باعث میشد بین من و دوستانم فاصله بیفته خیلی از اون خوشم نمی‌اومد برای همین یه چند روز توی اکیپمون بود من ناراحت بودم چون اصلا اثرات خوبی روی دوستانم نمیداشت. تصمیم گرفتم دیگه باهاشون قطع رابطه کنم چون نمی‌خواستم با اون دختر هم کلام بشم چندبار هم بهمون دوستانم به من بی احترامی کرد ولی من یکبار جوابشو دادم چون واقعا دیگه نمی‌تونستم جلوی خودمو بگیرم برای همین کلا ازشون

در جدول ۵ انتظارات، توقعات و خواسته های دانش آموزان افغانستانی از همکلاسان ایرانی خود در ۳ بخش معرفی شده که در ادامه به بحث و بررسی در مورد آنها خواهیم پرداخت:

توقع رفتارها و ارتباطات مشابه و برابر با دانش آموزان ایرانی

جعفر با بغض و گریه شدید در مورد توقعی که از همکلاسان ایرانی خود دارد، اینگونه می‌گوید: "مثل بقیه ایرانی‌ها ما رفتار کنن فکر کنن مثل خودشونم، اصلا عین بقیه دوستاشون بامن رفتار کنن و در پاسخ به این سوال که از همکلاسان و هم‌مدرسه‌ای های ایرانی خودت چه خواسته و توقعی داری، گفت: "بمن ننگن افغانی به افغانی به افغانی بودنم کار نداشته باشن"

امیرحسین در مورد توقع از همکلاسان ایرانی خود اینگونه می‌گوید: "مثلا ما هممون انسانیم دیگه. باهم خوب رفتار کنیم. تبعیض بین ما قائل شن که اکثرا قائل میشن."

با ماهم مثل بقیه انسانها رفتار کنید ماهم انسانیم مارو هم خدا آفریده

فاصله در خاطرات خود اینگونه نوشته است: "خیلی

بدن و وقتی سوال درسی می‌پرسیم تو درسا به ما کمک کن

هانیه در پاسخ به سوال توقع از همکلاسان ایرانی خود می‌گوید: "خوب مثلاً دوست دارم مثل همین دوستایی که باهام صمیمی هستن توی مدرسه خوب رفتار می‌کنن بهم کمک می‌کنن، مثل اونا باشن، خوب این دوستایی که باهام خوب رفتار می‌کنن بهم کمک می‌کنن تو زنگ تفریحاً تو درسا باهم هستم، دوست دارم اونا با من همینطوری رفتار کنن یعنی بهم کمک کنن تو زنگ تفریحاً باهم وقت بگذرونیم."

سوال ۲: ارتباط و تعامل دانش آموزان افغانستانی با معلمان چگونه است؟

فاصله گرفتیم و با اون دوست صمیمیم احساس بهتری رو احساس می‌کردم. برای اینکه بهم احترام میزان "

مارو مسخره نکنن، زورگویی نکنن و به خاطر افغانی بودنمون مارو کتک نزنن

امیرحسین در خاطرات خود اینگونه نوشته است: " سال پیش که داخل مدرسه معلم بودم، بچه‌ها من رو مسخره می‌کردن و به من می‌گفتند افغانی ولی من با خودم می‌گفتم چرا من را مسخره می‌کنن مگر ما چه بدی کردیم بعضی وقتها بچه‌ها از من می‌خواستند اسمشون را به عنوان بدها به معلم نگم زور می‌گفتن و من را تهدید به کتک زدن می‌کردن. بعضی از ایرانیا خوبند ولی بقیه بدن."

ارتباط دوستانه و صمیمانه با ما داشته باشن، اگر مشکلی برامون پیش میاد مارو دلگرمی و دلداری

جدول ۶: مضامین اصلی ابعاد مختلف ارتباطی و تعاملی دانش آموزان افغانستانی با معلمان

مضامین اصلی	کدها (گزاره‌ها)
ابعاد مختلف ارتباطی و تعاملی دانش آموزان افغانستانی با معلمان	ارتباط و تعامل مثبت و سازنده دانش آموزان افغانستانی با معلمان
	معلم خوب بودن کاری باهام نداشتن به افغانی بودنم کاری نداشتن مثل بقیه بچه‌های ایرانی باهام رفتار می‌کنن و بهمون احترام میزان بعضی معلمها مهربون بودن دیده شدن زحمات و تلاش دانش آموز و تشویق شدن از سوی معلم مقایسه شدن با دیگر دانش آموزان دیده نشدن دانش آموز از سوی برخی معلمان و رفتار به شکلی که انگار اصلاً وجود ندارند عدم واکنش معلم در موارد اختلاف میان دانش آموزان برخی معلمان با دانش آموزان افغانستانی مشکل دارند و از آنها نفرت داشته و رفتار غیرمنصفانه دارند عدم برقراری تماس چشمی معلم با دانش آموزان افغانستانی عدم بکارگیری این گروه از دانش آموزان در فعالیتهای گروهی و کلاسی از سوی معلم تحقیر شدن توسط معلم

مثل بقیه بچه‌های ایرانی باهام رفتار می‌کنن و بهمون احترام میزان

فائزه در خاطرات خود نوشته است: "توی این مدرسه اصلاً فرق نمیزارن خیلی مهربونن مثل بقیه بچه‌های ایرانی باهام رفتار میکنن و به افغانیا احترام میزان."

معلمها خوب بودن کاری باهام نداشتن به افغانی بودنم کاری نداشتن

حبیبه ۱ درمورد رفتار معلمانش اینگونه می‌گوید: " رفتارشون خوب بوده کاملاً معمولی، کلاً رفتاری که با همدیگه داشتن با منم داشتن مثل یه فرد عادی با من رفتار کردن به افغانی بودنم کار نداشتن رفتار خاصی نداشتن."

بعضی معلما مهربون بودن

فرزانه در خاطرات خود اینگونه نوشته است: "اما معلما، همه معلما خیلی خوب هستند و بودند مخصوصا دبیر عربی و علوم هفتم که خیلی صبور و مهربان بودند به نظر من خوب بودن معلم و خوش اخلاق بودن هم معیاری هس که دانش‌آموز درسش خوب باشه من هم همه معلمان و دبیران را دوست داشتم و همیشه درسم ۲۰ بود. به نظر من نباید معلم بین بچه فرق بزاره و بچه‌ها را ضایع کنه توی کلاس."

دیده شدن زحمات و تلاش دانش آموز و تشویق شدن از سوی معلم

امیرحسین می‌گوید: "یه بار نمره من از همه بچه‌ها بالاتر شد معلم مون منو تشویق کرد مثلا خوب از همه نمرم بالاتر بود، مشق کمتر بمن می‌داد. میرفتم خونه سریع انجام می‌دادم، بقیه وقتم آزاد بود می‌تونستم هرکاری انجام بدم."

مقایسه شدن با دیگر دانش آموزان

امیرمحمد از اینکه از سوی معلم با دیگر دانش آموزان مقایسه شده ناراحت است و می‌گوید: "از نظر درسی مارو مقایسه نکنن هی نگن اون خوبه تو بدی درس اون خوبه درس تو بده یه بار درسم بد بود جلو همه گفت این درسش بده."

دیده نشدن دانش آموز از سوی برخی معلمان و رفتار به شکلی که انگار اصلا وجود ندارند

یگانه از خاطراتش از رفتار معلمان اینگونه تعریف می‌کند: "یه معلم داشتم از بغل میز من رد میشد بعد مثلا اونی که اشکال داشتو اشکالشو ازش می‌پرسید، می‌گفت اشکال نداری اینجارو دخترم؟ اینجوری فلان و اینا. ولی انگار اصلا منو نمی‌دید. منو نادیده می‌گرفت و رد می‌شد من همچین حسی داشتم."

عدم واکنش معلم در موارد اختلاف میان دانش آموزان

فاضله می‌گوید: "یه بار خودکار یکی از بچه‌ها گم شد بعد تهمت زد به من یعنی به خانم گفت که من اینکارو کردم در حالیکه من اینکارو نکرده بودم ولی خانم اهمیتی

نداد فکر کنم اصلا منو ندید اگر دیده باشه هیچی نگفت." برخی معلمان با دانش آموزان افغانستانی مشکل دارند و از آنها نفرت داشته و رفتار غیرمنصفانه دارند

فرزانه در مورد معلمانش معتقد است: "همه دبیران خیلی خوب هستن به سوالاتمون پاسخ میدن، به جز خانم مقدسی دبیر علوم مون که درسی که سوال درسی داریم فقط سیس میگن و جواب نمیدن احتمالا از ما افغانیا بدش میاد."

عدم برقراری تماس چشمی معلم با دانش آموزان افغانستانی

معصومه می‌گوید: "معلم به خاطر اینکه افغانی بودم تبعیض قائل میشد بین من با بقیه بچه‌ها از بغل میز من رد میشد بعد مثلا اونی که اشکال داشتو اشکالشو ازش می‌پرسید میگفت اشکال نداری اینجارو دخترم؟ اینجوری فلان و اینا. ولی انگار اصلا منو نمی‌دید. منو نادیده می‌گرفت و رد میشد من همچین حسی داشتم."

عدم بکارگیری این گروه از دانش آموزان در فعالیتهای گروهی و کلاسی از سوی معلم

معصومه از نحوه رفتار یکی از معلمان خود اینگونه تعریف می‌کند: "وقتی کلاس هفتم بودم احساس می‌کردم که معلم اجتماعی‌مون اونم بین افغانستایا تبعیض قائل میشه با بقیه بچه‌ها.. خوب منم درسم خیلی عالی بود. بعد اون دوستم پشت سریم درسش مثل من بود ولی خوب... مثلا داخل کارای مثلا جشنواره‌ها و این چیزا بیشتر از اونا استفاده می‌کرد در حالیکه منم هم سطح اونا بودم می‌تونست از منم استفاده کنه ولی..."

تحقیر شدن توسط معلم

فرزانه در خاطراتش اینگونه نوشته است: "کاش جلو بقیه بچه‌ها معلم اینجوری تحقیر نکنه عادی باشه به نظر من نباید معلم بین بچه‌ها فرق بزاره و بچه‌ها را ضایع کنه توی کلاس. بعضی معلما بین بچه‌ها فرق میداشتن مثلا یه سوالی که ما بلد بودیم از ما نمی‌پرسید از بقیه بچه‌ها می‌پرسید یا همش از بقیه بچه‌ها تعریف می‌کرد. سوال که می‌پرسید ما که بلد بودیم دستمونو بالا می‌بردیم از

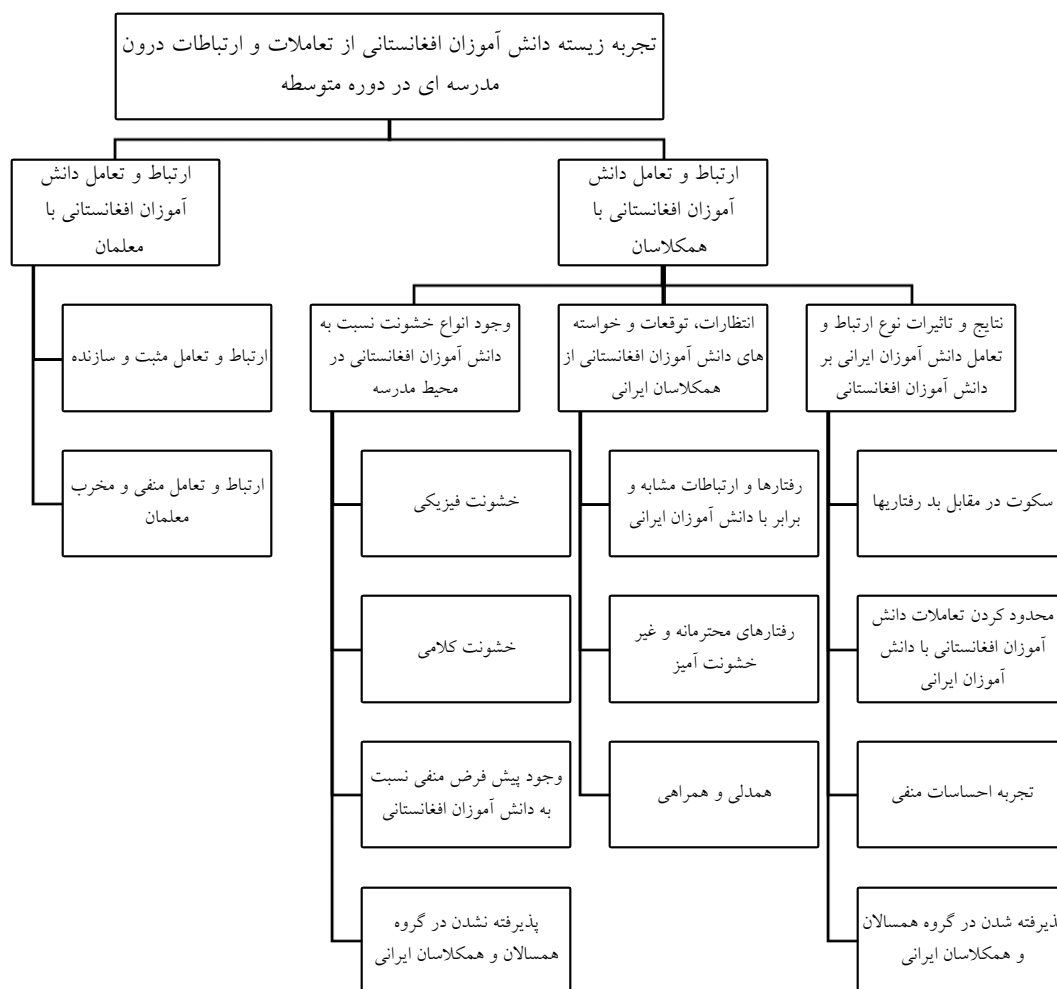
ما نمی‌پرسید همیشه از بقیه بچه‌ها می‌پرسید."

میسوزت انتر زودنی او مرد دنیا لم منم نه ^{بچه} او نغوته نغیر ونسقر چیا رنم
هو نجا تر حیا ول مویزم تا مدرم بیاد حد امل نیم ساعت تر حیا ول منققر مویزم
تا زنگ بخوره . فردای اون روز من از نی از مکتلا س نام پرسیم
دیروز که من رفتم سنا ما تو کلاس چیا ر کردین . بعم گفت . آه بعت بعم
تا راحت می سی من با هام خوشردی ام بعضی نغقر بگو من تا راحت
نی نم گفت . وقت تر رفتی خانم معلم در صورتی ^{معیبت} ~~نم~~ کرد و لغت با تو
با صبر چون رفتار کنیم منم بل او نروز رو کدی کردم .

تصویر ۱: نمونه‌ای از ژورنال نویسی دانش آموزان افغانستانی

ای کلاس به جان ایند آن ما هن را مرد آزادیت قرار می دادند
با من به خوبی و مشکل خودشان رفتار می کردند من هم بسیار ناراحت نی
و بابت این شماره ^{بچه} یاد من می‌کنین و تا راحت نی شدم

تصویر ۲: نمونه‌ای از ژورنال نویسی دانش آموزان افغانستانی



نمودار ۲: الگوی مفهومی استخراج شده از یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه گیری

حاشیه رانده شدن را تجربه کرده‌اند که می‌تواند به عنوان مقوله‌ای اصلی از موانع ارتباطی مورد توجه قرار گیرد. آنها همچنین در روابط خود شاهد رفتار کنایه آمیز، توهین، به حاشیه رانده شدن، دیده نشدن، اجبار به سکوت و تحمل ناملايمات در محیط مدرسه، بوده‌اند که این امر می‌تواند باعث شکل‌گیری گروه‌های خودی و غیر خودی در محیط آموزشی شود که در نهایت دو دستگی میان دانش آموزان ایرانی و افغانستانی را تشدید می‌کند.

همچنین انواع خشونت‌ها و بدرفتاری‌هایی در مدارس نسبت به دانش آموزان افغانستانی شامل خشونت فیزیکی، خشونت کلامی، وجود پیش فرض‌های منفی نسبت به آنان و پذیرفته نشدن در گروه همسالان و همکلاسان ایرانی می‌باشد.

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و بررسی تجربه زیسته دانش آموزان افغانستانی از تعاملات و ارتباطات درون مدرسه‌ای در دوره متوسطه اول صورت پذیرفت و دو سوال مطرح شد.

نتایج حاصل نشان داد که مهمترین تم‌های بدست آمده در مورد تعاملات و ارتباطات دانش آموزان افغانستانی با دانش آموزان ایرانی از نظر خود آنها شامل: پذیرفته نشدن در جامعه همسالان و هم مدرسه‌ای‌های ایرانی، وجود تبعیض، توهین، طرد شدن و انواع برچسب‌های اجتماعی و نژادپرستی بود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که دانش آموزان افغانستانی در روابط و تعاملات خود، متفاوت بودن، تبعیض، طرد شدن و به

افرادی که قرار است سال‌های سال در این کشور زندگی کرده و با ایران در تاثیر و تاثر مداوم هستند، توجه ویژه نموده و در رفع مشکلاتی که نتایج این پژوهش به آنها اذعان کرده، بکوشند. چرا که ما می‌توانیم به عنوان کشوری چند فرهنگی که پذیرای میلیون‌ها مهاجر و پناهنده نیز هست، به عنوان الگویی در امر آموزش نه تنها دانش آموزان مهاجر بلکه خانواده‌های آنها نیز در سطح منطقه حتی بین المللی مطرح شویم و جایگاه واقعی خود را با توجه به پتانسیل‌های موجود و بالقوه کشور، به صورت بالفعل به منصفه ظهور برسانیم.

در پژوهش حاضر به بررسی تجربه زیسته دانش آموزان افغانستانی از تعاملات و ارتباطات درون مدرسه‌ای در دوره متوسطه پرداخته شد و دو سوال مطرح شد. نظرات، تجربیات، سرگذشت‌ها و باورهای مصاحبه شونده‌گان درباره سوالات مورد پرسش، بسیار متنوع و در برخی موارد در تضاد با یکدیگر بود که این امر باعث شد بهتر بتوان ابعاد وجودی یک موضوع را شناسایی و مورد بررسی و تدقیق قرار داد. نکته قابل اهمیت و اساسی در این پژوهش این است که یکی از نیازهای جامعه ایران و به ویژه نظام آموزش و پرورش که وظیفه تعلیم و تربیت آینده سازان این مملکت را بر عهده دارد، نیاز به تعلیم و تربیت چندفرهنگی است؛ پذیرش و درک این حقیقت که امروزه کمتر جامعه و کشوری در دنیا وجود دارد که تک فرهنگی و به دور از تنوع و گوناگونی باشد، تنوع و گوناگونی جزء لاینفک زندگی بشر امروزی و دنیای کنونی است، چرا که بحث مهاجرت و ورود مهاجران به کشورهای میزبان در بسیاری از کشورهای جهان دیده می‌شود و واقعیتی غیرقابل انکار است.

برنامه درسی در هر جامعه وظیفه دارد دانش آموزان را برای شرایطی نظیر شرایط مدارس کشور با توجه به چندفرهنگی بودن آن و به ویژه حضور دانش آموزان افغانستانی، تربیت و آماده نماید. برای حضوری موثر و قوی در سطح ملی، منطقه‌ای و حتی بین المللی، لازم است که تمامی جوانب این امر به دقت بررسی شود و تمامی دست اندرکاران امر آموزش و پرورش کشور که به

مشاهده میدانی نکات قابل توجهی را به همراه داشت. در این پژوهش مشاهده میدانی نشان داد که اضطراب، حساسیت، خشم و رنجش میان مصاحبه شونده‌گان پسر بسیار بیشتر از مصاحبه شونده‌گان دختر است. همچنین با وجود آنکه تمامی دانش آموزان شرکت کننده در پژوهش، تبعیض را تجربه کرده بودند، اما برخی از دانش آموزان دختر در مورد رفتارهای حمایت کننده از سوی هم‌تایان ایرانی خود صحبت کردند.

بسیاری از دانش آموزان افغانستانی توقع و انتظاراتی که در ارتباط و تعامل با دانش آموزان ایرانی داشتند را توقع و انتظار توهین نشنیدن، دیده شدن، شنیده شدن صدای خود، مورد احترام واقع شدن، برچسب نزدن و عدم تبعیض از سوی دانش آموزان ایرانی عنوان کردند. دانش آموزان افغانستانی شرکت کننده در پژوهش از نوعی طردشدگی و بی توجهی از سوی همکلاسان و به ویژه از سوی معلمان سخن گفتند. آنها معتقد بودند دارای قومیت افغانستانی هستند و بر افغانستانی بودن خود تاکید و حتی به آن افتخار می‌کردند و با غرور در این مورد صحبت می‌کردند و در عین حال اذعان داشتند که در ایران به دنیا آمده و بزرگ شده‌اند.

نتایج این پژوهش حاکی از **روندی تک صدایی و تک فرهنگی در تعلیم و تربیت است**. این امر چندان با واقعیت جامعه متکثر ایران انطباق و همخوانی ندارد. بدون تردید تعلیم و تربیت تک فرهنگی در کشوری چند فرهنگی زیان‌های اجتناب ناپذیری به وجود می‌آورد. به این ترتیب، دانش آموزان اتباع خارجی از جمله دانش آموزان افغانستانی که مسئله اصلی این پژوهش هستند، نیز متاسفانه هیچ جایگاهی در نظام آموزشی کشور نداشته و هیچگونه برنامه ریزی تخصصی جهت آنها تا کنون از سوی مسئولان امر آموزش و پرورش کشور، صورت نپذیرفته است که خود مشکلاتی بر مشکلات نظام آموزش کشور افزوده و می‌طلبد که دست اندرکاران و برنامه ریزان امر آموزش و پرورش به این بخش از مخاطبان نظام آموزش کشور یعنی حدود نیم میلیون دانش آموز افغانستان و هویت وجودی آنها به عنوان

و محتوایی می‌تواند بسیاری از چالشها و تعارضاتی که در این پژوهش به آنها اشاره شده است را از سطح مدارس کشور در مقطع متوسطه برطرف یا به حداقل برساند.

آموزش تخصصی معلمان: براساس نتایج این پژوهش، یکی از عمده‌ترین چالش‌هایی که امروز مدارس کشور با آن روبروست، عدم آشنایی و آگاهی معلمان با مفاهیم، اصول و اهداف آموزش چندفرهنگی است. برخی از معلمان به ارزش‌های این رویکرد و نقش آن در توسعه مهارت‌های زندگی چندفرهنگی آگاهی کافی نداشته و حتی برخی نیز به هیچ عنوان تفاوت‌های قومی و فرهنگی را نمی‌پذیرند و دانش آموزان اقوام مختلف را علنا مورد تحقیر و حتی تنبیه قرار می‌دهند و قضاوت بدون آگاهی و شتابزده در قبال این گروه از دانش آموزان از خود نشان می‌دهند و حتی توانایی‌ها و استعداد آنها را اصلا مورد توجه قرار نداده و اعتقادی به این امر ندارند. نقطه شروع ارتقاء سبک زندگی چندفرهنگی، اینجاست که آموزش تخصصی معلمان در زمینه چند فرهنگی و احترام به تنوع و گوناگونی که جزئی ذاتی از جامعه ایران است خود را نشان می‌دهد. می‌توان گفت یکی از مهمترین عوامل رسیدن به جامعه‌ای سراسر صلح و زندگی مسالمت آمیز در گرو آموزش معلمان و حتی مدیران و اولیای مدارس است که می‌توانند با اتخاذ منش چندفرهنگی مناسب، این امر را در میان قشر عظیم مخاطبان خود که همانا دانش آموزان امروز و آینده سازان فردای ایران هستند، نهادینه سازند.

نمایشگاه‌ها و جشنواره‌هایی با فعالیت گروهی و حضور دانش آموزان ایرانی و افغانستانی با موضوعات غذاهای محلی، آداب و رسوم، شعرخوانی، قصه خوانی، معرفی مشاهیر اقوام داخل مدرسه با نظارت مدیر و اولیای مدرسه برگزار شود تا پس از مدتی این دیوار سکوت، خفقان و خودسانسوری شکسته شده و فرهنگ احترام به «دیگری» در ذهن دانش آموزان امروز و آینده سازان فردای ایران اسلامی نهادینه شود.

طور مستقیم و غیر مستقیم در آن نقش دارند، از این آموزش‌های تخصصی بهره مند شده، بتوانند در وضعیت نه چندان مطلوب فعلی تغییر و تحول اساسی و بنیادی به وجود آورند تا بتوانیم به جایگاه واقعی ایران که همانا کشوری نمونه و الگو در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است، دست یابیم. این مهم جز از طریق آموزش آن هم آموزش چندفرهنگی فراهم نخواهد شد. آموزش تمامی افراد جامعه، دانش آموزان، معلمان، مدیران، اولیای مدارس، خانواده‌ها، به ویژه افرادی که در سطوح کلان، میانی و حتی خرد امر تعلیم و تربیت نسل آینده این کشور نقش و تاثیر بسزا دارند.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به سخت بودن جلب اعتماد مصاحبه شونده‌گان جهت مشارکت در پژوهش اشاره کرد که همین امر باعث شده بود تا دانش آموزان به سوالات با احتیاط و کوتاه پاسخ دهند. همچنین برقراری ارتباط با مدیران دبیرستان‌ها و راضی کردن ایشان جهت همکاری با پژوهشگر نیز از محدودیت‌های دیگر این تحقیق بود؛ به ویژه مدیران دبیرستان‌های پسرانه که از میان پنج دبیرستان پسرانه که دارای دانش آموز افغانستانی بودند، فقط دو دبیرستان برای همکاری با پژوهشگر اعلام آمادگی کردند.

در این قسمت، با توجه به یافته‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، راهکارها و پیشنهادهاتی در راستای موضوع پژوهش ارائه می‌شوند:

معلمان در کلاس درس از دانش آموزان قومیت‌های مختلف دعوت کنند تا قومیت خود، ویژگی‌های آن، آداب و رسوم و ... در کلاس درس برای همکلاسان خود معرفی نمایند، به ویژه دانش آموزان اتباع خارجی مانند دانش آموزان افغانستانی که موضوع اصلی این پژوهش است.

گنجانیدن درسی با عنوان "آموزش چند فرهنگی" در برنامه درسی دوره متوسطه: با توجه به چندفرهنگی بودن جامعه ایران و حضور دانش آموزان اتباع خارجی که این تنوع را دو چندان کرده است، تهیه و تدوین محتوی تخصصی و ویژه و حساس به این موضوع، از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار است چرا که چنین کتاب و درس

- Phenomena in the Explicit Curriculum of Iranian High Schools, *Quarterly Journal of Educational Innovations*, No. 40, Year 10, Winter 2011, pp. 85-57.
- Grant, Carl A, Portara, Agostino, (2011). *Intercultural and Multicultural Education, Enhancing Global Interconnectedness*, New York Oxon: Routledge
- Hamidizadeh, Katayoun, Fathi Vajargah, Kouros, Arefi, Mahboubeh, Mehran, Golnar, (2018). Multicultural Education: Systematic Analysis of Teachers' Perception, *Journal of Teaching Research*, Fifth Year, No. 2, pp. 38-43
- Khosravi, Roghayeh, Bahadori, Razieh, Gravand, Fatemeh, Ahmadi, Ali Yar, (2020). Study of Factors Related to Adaptation of Afghan Students Living in Shiraz, *Bi-Quarterly Journal of Demographic Studies*, Volume 5, Number 1, pp. 175-149
- Koepke, Bruce, (2011). The Situation of Afghans in the Islamic Republic of Iran Nine Years after the Overthrow of the Taliban Regime in Afghanistan, *MEI-FRS (c) –February*
- Mirzaei, Hossein (2015) A Study of Educational Adaptation of Afghan Immigrants in Iran, *Quarterly Journal of Social Welfare Research*, Volume 3, Number 11, pp. 84-43
- Mousavi, Sadegh, Fathi Vajargah, Kouros, Haghani, Mahmoud, Safaei Movahed, (2020). Elementary Teachers' Experiences of the Challenges of Educating Afghan Immigrants: A Qualitative Study, *Journal of Curriculum Research, Iranian Curriculum Studies Association*, Volume 10, Number 2, Consecutive 20, pp. 65-34
- Murphy S.2010.challenges for multicultural education in Japan.Available from: <http://www.Scirus.com>. [Accessed 3 June 2010]
- OECD. (2015). *Immigrant students at school-easing the journey towards integration*. OECD Publishing
<http://dx.doi.org/10.1787/9789264249509-en>
- Saito, M. 2008. *From Disappointment to Hope*:
منابع:
- Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal, (2013), *Adaptation and Return Strategies of the Second-generation Afghan Refugees in Iran*, *Migration and Development*, 1:2,261-279
- Adams, L.D. & Kirova, A. (eds) (2006). *Global Migration and Education. Schools, Children, and Families*.Lawrence Erlbaum Associates, Mahwah, New Jersey & London, p. xiii
- Ahmadrash, Rashid, Eidi, Masoumeh, (2019). Living in a Pandolic Situation, A Sociological Study of the Living Experiences of Afghan Immigrants in Iran (Case Study: The Living Experiences of Afghan Immigrants Living in the Yazd Slaughterhouse Neighborhood), *Iranian Social Issues Review Quarterly*, Volume 9, Number 1, pp. 68-51
- Boughton, Halliday, & Brown, (2010), A tailored program of support for culturally and linguistically diverse (CALD) nursing students in a graduate entry Masters of Nursing course: A qualitative evaluation of outcomes, *Volume 10, Issue 6, Pages 355–360*
- Chenari, Mahin, (2013). Comparison of Husserl, Heidegger and Gadamer with the Methodological Test, *Scientific-Research Quarterly of Qom University*, Year 9, Issue 2, pp. 138-113
- Cherneff, Jill B.R & Hochwald, Eve (2006), *Visionary Observers: Anthropological inquiry and Education*, University of Nebraska Press. Lincoln & London.
- Fathi Vajargah, Kouros, (2020). Reconceptualization movement in curriculum studies (theoretical orientation and scientific achievements), *Elme Ostadan*
- Fathi Vajargah, Kouros, (2021). *Basic Principles and Concepts of the Curriculum*, Second Edition: Elme Ostadan
- Fathi Vajargah, Kouros, (2021). *Curriculum Identities*, Fourth Edition, Tehran: Ayizh
- Fathi Vajargah, Kouros, Araghieh, Alireza, Foroughi Abri, Ahmad Ali, Fazeli, Nematullah, (2012). *Ethnicity*, Aximoron

- Global Education Monitoring Report on education and migration. Retrieved from: <https://en.unesco.org/gem-report/sites/gem-report/files/Concept%20Note%205%20April%20Final.pdf> UNHCR (2015) 'Figures at a glance'. Retrieved from: <http://www.unhcr.org/uk/figures-at-a-glance.html>
- UNHCR. (2019). Global trends: refugees, asylum-seekers, returnees, internally displaced and stateless persons, Geneva, online: <http://www.unhcr.org>, 19 Jun 2019
- Transforming Experiences of Young Afghans Returning "Home" from Pakistan and Iran, *Briefing Paper Series*, Kabul: AREU.
- Shimahara, N.Ken, Z.Holowinsky, Ivan, Tomlinson-Clarke, Sandra, (2001). Ethnicity, Race, and Nationality in Education, Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Turton, D and P. Marsden, 2002. *Taking Refugee for a Ride? The Politics of Refugee Return to Afghanistan*, Kabul: Afghanistan and Research Evaluation Research.
- UN High Commissioner for Refugees, Report of the United Nations High Commissioner for Refugees, 2020
- UNESCO (2017) Concept note for the 2019